



پژوهشی در مفهوم قلب

و ویژگی‌های آن در قرآن و روایات

دکتر مرتضی (لهدی، قرآن پژوه

با تامل در آیات قرآن کریم درمی یابیم چشم ویژه‌ای همراه نوزاد به انسان اهداء شده است. این چشم ویژه قلب نام دارد. قلب برای رویت دیدنی‌هایی است که چشم ظاهر از دیدن آن‌ها عاجز است. آیات قرآن به نوبه‌ی خود، آن دیدنی‌ها را شرح می‌دهد که یکی از آن‌ها، عالم ملکوت است که اصل و غایت و نهایت و جهت این دنیاست و این دنیا در مقایسه با آن، همچون سایه‌ای در برابر آفتاب است و یا مانند تصویری از اصل هستی است که بدون اتصال به هستی، هیچ است.

قرآن کریم می‌فرماید: آن دلی که نمی‌تواند معارف و آیات و عبرت‌ها را ببیند، کور است.

«من کان فی هذه اعمی و هو فی الآخرة اعمی» اما برای آنکه موضوع، روشن‌تر شود می‌فرماید: قَابَهَا لَأُتَمِّمَ الْبَصَارَ وَلَكِنْ نُنْفِئُ الْقُلُوبَ الَّتِي فِي الصُّدُورِ (۱) یعنی منظور ما از کوری چشم کوری سر نیست بلکه کوری دل‌هایی است که در سینه‌هاست.

قرآن کریم، در اینجا اشاره به آن نوزاد جدید و مقرر حکومت او در کشور وجود انسان می‌نماید و می‌فرماید کسانی که از این ودایع الهی استفاده نمی‌کنند، اسان‌هایی گنگ و لال و کور و کر و عقب افتاده‌ای معرفی می‌فرماید که توانایی تشخیص هیچگونه حق و باطل را ندارند و هیچ گونه

پیام الهی را نمی‌شنوند و توانایی دیدن هیچ عبرتی را ندارند و آن‌ها را با عبارت صَمَّ بَطْمَ غَمَى قَهْمَ لَا يَفْقَهُونَ توصیف می‌فرماید (۲).
یعنی گنگ‌اند و کورند و کورند و نمی‌بینند در حالی که افراد مذکور ظاهرآ دارای چشم و گوش و حواس سالم هستند و دارای اندام کامل و در هیأت بشر می‌باشند.

واضح است که منظور قرآن کریم، اندام ظاهری نمی‌باشد و در آیات دیگر با ذکر تشابه ایشان با حیوانات و پس‌تر از آن‌ها روشن می‌فرماید که منظور از چشم و گوش و قلب، اندام ظاهری نمی‌باشد و گرنه حیوانات نیز از آن اندام برخوردارند ولی آنچه که موجب تفاوت انسانیت از حیوانیت گشته است وجود همان اندام ویژه در انسان می‌باشد. آنجا که می‌فرماید:

لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلَّغْنَا مِنْهُمْ أَضْلًا

و به ایشان قلب‌هایی عطا شده (که توانایی درک عالم ماورایی را دارد و می‌تواند معارف و مفاهیم وحیانی و فوق حسی را درک کند) ولی برای فهمیدن آن اسرار و آن پیام‌ها و آن زیبایی‌ها از قلب خود استفاده نمی‌کند. (۳)

آنان مانند چهارپایان هستند (که از این گوش و چشم و قلب ملکوتی بی‌بهره‌اند) بلکه پست‌تر از چهار پایان هستند.

و به ایشان گوش‌هایی عطا شده است تا پیام حق را بشنوند ولی آن‌ها به کار نمی‌گیرند.

و به ایشان چشم‌هایی عطا شده است (که اسرار عالم و زیبایی‌های عالم ملکوت و عبرت‌های عالم ناسوت را مشاهده کنند) ولی از آن استفاده نمی‌کنند.

ویژگی‌های قلب

قرآن کریم و روایات ائمه‌ی طاهیرین علیهم الصلوه و السلام در مورد قلب، چنین توضیح می‌دهند:

- ۱- آن موجود، چشم ویژه دارد. (۴)
 - ۲- آن موجود، گوش ویژه دارد. (۵)
 - ۳- آن موجود مرکز تعقله و تفکر ویژه دارد.
 - ۴- آن موجود بوی ویژه دارد.
 - ۵- آن موجود مشام ویژه دارد. (۶)
 - ۶- آن موجود دست ویژه و توان تسخیر عالم را دارد. (۷)
 - ۷- تنها آن موجود است که مخاطب رسالت و مسئولیت‌های الهی است. (۸)
 - ۸- تنها آن موجود است که معاتب و مورد سرزنش بخاطر خطاهای اسان در برابر حقتعالی است. (۹)
 - ۹- خوشبختی و سعادت یا شقاوت اسان بستگی به کارنامه‌ی اعمال آن موجود دارد. (۱۰)
 - ۱۰- آن موجود آن چنان قوی است که حتی قبل از تولد به اداره‌ی حیات اسان دست می‌برد لیکن بحض تولد، تمامی اداره‌ی امور و حیات اسان را به عهده می‌گیرد. (۱۱)
- آنچه از ویژگی‌های نوزاد جدید اشاره شد آیات کریمه قرآن، به آن اشاره فرموده است و نه تنها تأیید می‌فرماید بلکه حق تعالی بابت اهداء آن ودایع بر اسان، منت گذاشته و سفارش به بهره‌گیری هرچه بیشتر از آن امکانات و استعدادها و ودایع می‌فرماید.
آنجا که می‌فرماید.

۱۶۲۷۷



وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۷)

و همانا برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد تا شاید (به وسیله‌ی آن‌ها، نعمات و رحمت‌های حق تعالی و مقامات و اسرار سموات را ادراک نموده و موجبات معرفت را برای خود فراهم نمایید و در نتیجه) شکر گزار باشید

و بدین وسیله صریحاً دارا بودن چشم و گوش و قلب، به عنوان ابزار ادراکات فوق حسی را تأیید می‌فرماید

برای آن که ضرورت کاربرد اتمام فوق و اهداف استفاده از آن تأکید نماید، می‌فرماید:

مَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى

کسی هر که در این دنیا کور باشد، در آن دنیا نیز کور خواهد بود.

اذن القلب

روایات منقول از رسول مکرم اسلام و اهل البیت مطهرش، صلوات الله علیهم اجمعین از گوش و چشم و قلب معنوی بسیار سخن رفته است و وجود آن مورد تأیید و توجه مؤکد ایشان قرار گرفته است که نمونه‌ای از آن در حدیث زیر آمده است:

أَنَّ لِلْقَلْبِ اثْنَيْنِ: رُوحَ الْإِيمَانِ يَسَارُهُ بِالْخَيْرِ، وَالشَّيْطَانَ يَسَارُهُ بِالشَّرِّ فَانْبَهَمَا

عَلَى صَاحِبِهِ غَلْبَةً (۱۲).

حضرت امام صادق (ع) می‌فرماید: برای قلب دو گوش وجود دارد. روح ایمان او را به خیر و نیکی دعوت می‌کند و شیطان او را به پلیدی و شر دعوت می‌کند پس هر یک از آن دو بر قلب بنواید بیشتر نشانه دهد بر دیگری غالب خواهد شد.

أَنَّ لِلْقَلْبِ اثْنَيْنِ فَإِذَا هُمُ الْعَبْدُ بِذَنْبٍ قَالَ لَهُ رُوحُ الْإِيمَانِ: لَا تَفْعَلْ وَقَالَ لَهُ الشَّيْطَانُ أَفْعَلْ وَأَذْكَانُ عَلَى بَطْنِهَا نَزَعَتْهُ رُوحُ الْإِيمَانِ (۱۴).

حضرت امام باقر (ع) می‌فرماید قلب دو گوش دارد هر گاه که بنده‌ای به گناه همت کند روح ایمان به او می‌گوید نکن ولی شیطان به او می‌گوید انجام بده الی آخر ترجمه.

ما من قلب الا وله اذانان عنی احدهما ملک مرشد و علی الاخری شیطان مفتن هذا یامر به و هذا یزجره الشیطان یامر بالمعاصی و الملک یزجره عنها و هو قول الله عزوجل «عن الیمین و عن الشمال قعد ما یلنظ من قول الا لدیه رقیب عتید»

مشام روحانی

قرآن کریم می‌فرماید: قال انی لاجد ریح یوسف لولا ان ننفذون

حضرت یعقوب فرمود من اکنون بوی یوسف را می‌شنوم اگر مرا متهم به دیوانگی و هذیان گویی نکنید. (۱۵)

حق تعالی در این آیه از قرآن کریم، وجود مشام و ادراک فوق حسی خاصی را در انسان مطرح می‌فرماید که می‌تواند عطر وجود اولیاء خدا را از فرسنگ‌ها فاصله استشمام کند.

ثانیاً از طرف دیگر وجود عطر خاصی که هر یک از اولیاء در فضای ملکوتی و معنوی اطراف خود پراکنده می‌سازند را مطرح می‌فرماید ثالثاً گسترش آن عطر خاص و جانفزا تا هزاران فرسنگ فاصله را مطرح می‌فرماید و رابعاً به این نکته یادآور می‌شود که اگر انسان بر اثر عدم رشد معنوی از چنین شامه‌ای محروم شده باشد، نه تنها ناتوان از بوئیدن عطر جانفرازی اولیاء الهی می‌باشد بلکه ممکن است حتی چنین عطری را و چنین ادراکی را انکار می‌کند.

عین القلب

روایاتی که بوضوح، وجود قلب و چشم قلب را مطرح و تأیید بفرماید، بسیار است اما به دو نمونه اکتفا می‌شود.

ما من عبد الا و فی وجهه عینان یبصر بهما امر الدنیا، و عینان فی قلبه یبصر بهما امر الآخرة فاذا اراد بعدد خیراً فتح عینیه اللتین فی قلبه، فابصر بهما ما وعدہ بالغیب فامن بالغیب علی التیبه. (۱۶)

یعنی حضرت رسول اکرم (ص) می‌فرماید که هیچ بنده‌ای نیست که در صورتش دو چشم دارد که با آن امور دنیوی را می‌بیند و دو چشم در قلب دارد که امور آخرتی و ملکوتی و در پس حجاب‌های دنیایی را می‌بیند پس هر گاه حق تعالی بخواهد به بنده‌ای عینان عینان بفرماید، دو چشم قلبش را بینا می‌سازد. تا آنچه که از چشم سر پنهان و مخفی مانده است از وعده‌های الهی را ببینند پس به اسرار غیب الهی ایمان می‌آورد.

الا ان للعید اربع اعین: عینان یبصر بهما امر دینه و دنیا، و عینان یبصر بهما امر آخرته، فاذا اراد الله بعبید خیراً فتح له العینین اللتین فی قلبه، فابصر بهما الغیب و امر آخرته و اذا اراد به غیر ذلک ترک القلب بما فیه (۱۷)

این روایت نیز تقریباً به همان معنی است. با این تفاوت که از حضرت علی بن الحسین زین العابدین علیهما السلام نیز روایت شده است.

با آماده شدن قلب برای اداره حیات انسانی، خلقت سوم یا شخصیت سوم انسان ظهور می‌کند. جهنم و بهشت برای شخصیت سوم مطرح شده است. عبادت و پرستش و اخلاص و تقوی برای شخصیت سوم تعیین شده است. این شخصیت سوم است که مانند مولودی ویژه و جدید، دارای قوا و استعدادهای نوظهور می‌باشد. این شخصیت سوم است که توانایی اتصال به عالم ملکوت و هم صحبتی با خداوند متعال و ملائکه الهی یعنی توانایی انجام صلوه و وصل به ملکوت و وصال به انوار جمال و اتصال به آسمان معارف و راز و نیاز و دعا را دارد.

اینکه نماز در سنین بلوغ واجب می‌شود، بدلیل آن است که تنها در این سنین است که توانایی ادراک مسائل ماورایی به وسیله‌ی اندام ویژه‌ای که به انسان هدیه شده است، محقق می‌گردد. چشمی که در خلقت سوم یا در شخصیت سوم به انسان داده شده است، توانایی آن را دارد که بتواند عالم را ببیند و حقایق ماورایی را مشاهده فرماید.

جایگاه قلب در تربیت انسانها

اما قلب الحدیث کالارض الخالیة کلما القی فیها من شی قبلته (نهج البلاغه الکتاب ۵۳-۱۳)

قلب نوجوان مثل زمین خالی از کشت است که هر دانه از تربیت بر آن افتد آنرا پذیرفته و می‌رویاند. در این روایت شریفه، اولاً مرکز و محور وجود در شخصیت سوم انسان را به قلب تعبیر می‌فرماید و ثانیاً قلب را بعنوان مدیر جدید و رهبر تمامی وجود انسان معرفی می‌فرماید. و محل دقیق فعالیت آن را در حوزه‌ی فعالیت ماهیچه‌ای و صوبری شکل تعیین می‌نماید.

ثالثاً عمیق‌ترین ادراکاتی که ویژه‌ی حیات انسانی است و حیوانات از آن مستثنی می‌باشند را به قلب نسبت داده و تشریح می‌فرماید. رابعاً قلب روحانی یا شخصیت سوم یا مرکز و محور وجود انسان را دارای شخصیتی کاملاً مستقل و صاحب اختیار و مسلط بر شخصیت ظاهری و باطنی انسان و مشرف بر حیات انسانی انسان معرفی فرموده است.

قدرت تسخیر عالم توسط قلب

آیات کریمه‌ی قرآن گواه و مؤید آن است. آنجا که می‌فرماید: **أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ** آیه ۲۰ سوره لقمان یعنی آیا نمی‌بینید که خداوند آنچه که در آسمان‌ها و زمین است را در تسخیر شما قرار داده است؟

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا آیه ۱۵ سوره نوح آیا نمی‌بینید که خداوند متعال چگونه هفت آسمان را خلق فرموده و دارای طبقات هفت‌گانه نموده است؟

در این دو آیه شریفه از یک طرف می‌فرماید، آیا نمی‌بینید؟ یعنی آیا درک نمی‌کنید؟ بدیهی است که دیدن یا درک کردن درباره تسخیر عالم سموات و عالم ما فی الارض، توسط انسان به جز از طریق ادراکات قلبی و رویت‌های قلبی امکان پذیر نمی‌باشد.

از طرف دیگر می‌فرماید که به تسخیر شما درآورده است آسمان‌ها و زمین را تسخیر آسمان‌ها و زمین بجز از طریق دستگاه‌های فوق حسی و شهودی چگونه توسط انسان ممکن است؟

بدیهی است که عتاب و خطاب و سؤال از اینکه آیا نمی‌بینید، فرع بر دیدن است. یعنی تنها زمانی به افراد، می‌توان خطاب و عتاب نمود و جمله‌ی «آیا نمی‌بینید» را بکار برد که نفس دیدن برای آن فرد، میسر باشد. این موضوع نیز روشن است که همه آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، یتنها یا این چشم ظاهر، دیده نمی‌شود، بلکه با تمام دستگاه‌هایی که حتی هزاران سال بعد اختراع شود، هرگز قابل رویت نمی‌باشد.

و آسمان‌های هفت‌گانه نیز با توجه به دیگر آیات قرآن کریم، غیر از آسمان این عالم و کهکشان‌های آن است و یا این چشم ظاهر و هرگونه دستگاه‌های پیشرفته قابل رویت نیست.

و از همه عجیب‌تر و مهم‌تر، تسخیر آنچه در آسمان‌ها و زمین توسط انسان می‌باشد که تحقق آن بدون اندام ماورایی که ذکر آن رفت، به هیچ وجه، قابل توجیه نیست و نیز تسخیر سموات و زمین توسط اندام ظاهری اگرچه همراه با هرگونه تکنولوژی پیشرفته باشد، قابل توجیه نمی‌باشد.

قرآن کریم از انسان‌های بسیاری یاد می‌فرماید که استعداد ماورایی و بالقوه‌ی ایشان به فعلیت رسیده و به نسبت توانایی و قدرتی که یافته‌اند، بخشی یا بخش‌هایی از عالم خلقت، مسخر ایشان گشته است. از حضرت سلیمان یاد می‌فرماید که تمامی حیوانات و تمام جنیان و تکنولوژی ایشان و نیز قدرت یاد، مسخر او گشته است.

از حضرت داوود یاد می‌فرماید که کوه‌ها و پرندگان همراز و هم‌نوی او شده و تسبیح خود را بر او آشکار کرده و همصدا یا او می‌شوند (۱۸)

از حضرت ابراهیم یاد می‌فرماید که چشم و گوش دلش باز شده، فرشتگان را می‌بیند، صدای ایشان را می‌شود و با زبان ماورایی با ایشان صحبت می‌کند، مزدگانی دریافت می‌کند، پیام می‌گیرد، از اخبار عالم ملک و ملکوت، مطلع می‌گردد (۱۹)، قوانین مربوط به آتش را در تسخیر می‌گیرد (۲۰)، مرغان را می‌کشد، درهم می‌کوبد و آمیخته و مخلوط ایشان را بر سر کوه‌ها می‌گذارد و ایشان را صدا می‌زند و همه زنده شده به سوی او باز می‌گردند (۲۱)

از حضرت مسیح می‌فرماید: مرده‌ها را زنده می‌کند، بیماران را شفا می‌دهد، کورمادرزاد یعنی کسی که اساساً فاقد دستگاه بینایی است را بینا می‌کند (۲۲) از حضرت مریم یاد می‌فرماید که چشم و گوش و قلب و اندام ماورایی را تماماً رشد نموده و قابل معاشرت با ملکوتیان می‌گردد، غذای ملکوتی

حضرت امیرالمؤمنین (ع) در یکی از حکمت‌های کوتاه خویش از اهمیت نقش قلب در ادراکات انسان و ایجاد عواطف عالی انسانی که تماماً منشأ معرفتی دارد، پرده بر می‌دارند و می‌فرمایند:

لقد علق بتباط هذا الانسان بضعه هی لعجب ما فیه و ذلك القلب
هملاً به رگ‌های درونی انسان پاره گوشتی آویزان است که عجیب‌ترین قسمت وجود اوست و آن قلب است.

و ذلك ان له مواد من الحكمة و اضداد من خلافها
و این شگفتی قلب از آن نظر است که بخشی از مواد و مبادی حکمت و اضداد آن در قلب وجود دارد.

فان سنخ له الرجاء اذله الطمع
اگر بامیدی برای قلب پدید آید، طمع او را ذلیل خود می‌کند و از حاج به الطمع اهاکه الحرص

و اگر، طمع به قلب روی آورد، حرص، او را هلاک خواهد کرد.
و ان ملکه الیاس قتله الاسف
و اگر با امیدی بر قلب چیره شود، تلسف و اندوه، او را خواهد کشت و ان عرض له الغضب اشتد به الغیظ

و اگر خشم بر قلب عارض شود، غیظ او را برآشفته خواهد کرد.
و ان ابعده الرضا تسی التحفظ
و اگر خوشنودی، قلب را به نشاط آورد، مراقبت را از دست می‌دهد و ان غاله الخوف شغله الحذر

و اگر ترس به قلب روی آورد، پرهیز و کناره‌گیری او را گرفتار خواهد کرد.
و ان اتسع له الامر استلبته الغره
و اگر در امور برای قلب گشایش پیش آید، غفلت زده خواهد شد و ان افاد مالا اطغاه الغنی

و اگر قلب مالی بدست آورد، بی‌نیازی، او را به طغیان وادار خواهد کرد.
و ان اصابته مصیبه فضحه الجزع
و اگر مصیبتی بر قلب وارد شود، بی‌تابی او را مفتضح خواهد کرد و ان غضته الفاقه شغله البلاء

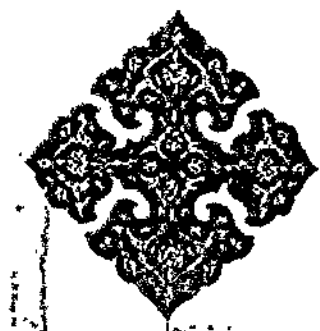
و اگر فقر و تنگدستی، او را گرفتار کند، بلاء او را گرفتار خواهد کرد.
و ان جهده الجوع قعد به الضعف
و ان غضته الفاقه شغله البلاء

و اگر گرسنگی یا قلب درافتد، ضعف او را به زانو در خواهد آورد.
و ان افراط به الشبع كطنه البطنه
و اگر سیری، قلب را به افراط کشاند، شکمبارگی و پرخوری او را زیان رساند فكل تقصیر به مضر و كل افراط له مفسد

پس هرگونه تقصیر و کوتاهی برای قلب، مضر است هرگونه افراط نیز او را فاسد خواهد کرد.

ملاحظه می‌شود که حضرت امیرالمؤمنین (ع) به این نکته اشاره فرموده‌اند که بخشی از مبادی حکمت و بدیهیات و مواد حکمت را به رفتار قلب نسبت می‌دهند (حکمت‌های حضرت امیرالمؤمنین شماره ۱۰۸ نهج‌البلاغه)

رجاء، طمع، دلت، حرص، یاس، تلسف و تأثر، غضب، غیظ، رضا، خویشنداری، ترس، پرهیز، غرور، درک فضای بار میدان وسیع فعالیت، درک دارایی و ثروت، طغیان، بی‌نیازی، درک مصیبت، بی‌تابی، تنگدستی، درک بلا و گرفتاری، درگیری با گرسنگی، احساس ضعف از گرسنگی، سیری، احساس پرخوری، و شکمبارگی، همگی صفاتی است که به قلب نسبت داده شده است.



پی نوشت ها

- ۱- سوره حج آیه ۲۶
- ۲- سوره بقره آیه ۱۷۱
- ۳- لهم اعین لایبصرون بها- اعراف آیه ۱۷۹
- ۴- لهم اعین لایبصرون بها- اعراف آیه ۱۷۹
- ۵- و لهم اذان لایسمعون بها- اعراف آیه ۱۷۹
- ۶- بحار- ح ۷۰- ص ۵۲
- ۷- بحار- ح ۷۰- ص ۴۴
- ۸- سوره یوسف آیه ۹۴
- ۹- وَتَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ سوره جاثیه آیه ۱۲
- ۱۰- لَئِنْ كَانَ لَ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعُ سوره ق آیه ۲۷
- ۱۱- وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ سوره بقره آیه ۲۲۵
- ۱۲- إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ سوره شعراء آیه ۸۹
- ۱۳- القلب امام البین - بحار ح ۷۰ ص ۵۲
- ۱۴- سوره نحل آیه ۷۸
- ۱۵- سوره یوسف آیه ۹۴
- ۱۶- کمز الاعمال حدیث ۲۷۴۳- میزان الحکمه باب القلب ۱۶۶۴۲
- ۱۷- بحار الانوار ح ۷۰ ص ۴۴ - خصال ص ۱۹۰
- ۱۸- با جبال او بی معه و الطیر، سوره سبأ آیه ۱۰
- ۱۹- هل انک حدیث ضیف ابراهیم المکرمین - سوره ذاریات آیه ۲۴
- ۲۰- یا ناز کونی بردا و سلاماً علی ابراهیم سوره اهبیاء آیه ۶۹
- ۲۱- اربعه من الطیر فصرهن البک، بقره آیه ۲۶۰
- ۲۲- و ابری الاکبه و الابرعص و احی الموتی باذن الله - سوره آل عمران آیه ۴۹
- ۲۳- کننا دخل علیها زکریا المحراب وجد صدها رزقا، آل عمران ۳۷
- ۲۴- فارسلنا الیها روحنا فتمثل لها بشراً سوياً- سوره مریم آیه ۱۷
- ۲۵- فَاَنْفَلَقَ فُتَاتًا کُلُّ فِرْقٍ کَالطُّوْدِ الْعَظِيمِ - سوره شعراء آیه ۶۳
- ۲۶- فَارْتَمَلْنَا عَلَیْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْمَلَّأَ وَالسَّفَاعَ - سوره اعراف آیه ۱۳۳
- ۲۷- وَارْتَمَلْنَا عَلَیْهِمُ النَّمَّ وَالسَّلَوی - سوره اعراف آیه ۱۶۰
- ۲۸- فَحَسَبْنَا بِهٖ وَبِنَادِیِ الْاَرْضِ - سوره قصص آیه ۸۱
- ۲۹- وَالَّذِیْ مَا فِیْ یَمِیْنِکَ تَلَفَّأَ مَا حَسْبُوا - سوره طه آیه ۶۹
- ۳۰- وَاصْبُرْ لِنَزْحِکَ اِلٰی جَنَابِکَ تُخْرِجُکَ نِیضًا - سوره طه آیه ۲۲
- ۳۱- قَالَ فَاَنْهَبْ فَاِنَّ لَکَ فِی الْحَیَاةِ اَنْ تَقُوْلَ لَا مِیْسَانَ - سوره طه آیه ۹۷
- ۳۲- وَاِنْ کُنْتُمْ فِی رَیْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلٰی غَسْبٰنَا - بقره آیه ۲۳
- ۳۳- سُبْحٰنَ الَّذِیْ اَسْرٰی بِعَبْدِہٖ لَیْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ - سوره اسراء آیه ۱

می خورد (۲۲) و با روحی که به صورت انسان مسوی و کامل ظاهر شده است و حامل حکمت و علم است هم صحبت می شود (۲۲). و از آن روح حامل نورانی می گردد که مسیح (ع) نام دارد.

در حالی که اگر شأن ملکوتی و اندام روحانی و ماورایی حضرت مریم رشد نکرده بود، محال بود که توانایی رویارویی با روحی که مستحب به مقام قرب ربوبی می باشد را داشته باشد و محال بود که جسم او توان تحمل نزول آن روح بر خود را داشته باشد، بدیهی است که اگر اندام ماورایی و ملکوتی او رشد نکافی یعنی مرحله ی نسویه نمی رسید، اگر آن روح بر پیکر او نازل می شود جسم مریم بی درنگ متصدع و متلاشی می گشت.

از حضرت موسی یاد می فرماید که دریا را برای عبور پیروان خود خشک می کند آنچنان که در دو طرف مسیر حرکت بنی اسرائیل، آبها همچون یخ بزرگ بر روی هم انبوه می شوند (۲۵)، قورباغه ها را در جنگ با فرعون به خدمت می گیرد. خون را فرمان می دهد (۲۶)، حشرات را گسیل می نماید، از آشپان مرغ بریان نازل می کند (۲۷)، زمین را به بلعیدن دشمن فرمان می دهد (۲۸)، و تکه چوبی در دستش را به ازدها تبدیل می کند (۲۹) و از فرو بردن دست خود به سیه خود نوری عجیب ساطع می نماید که روشنی بخش عالمیان باشد (۳۰) و در عین حال خطر و ضرری نداشته باشد. بیماری و امراض صعب العلاج را همچون سلاحی مأمور می کند تا دشمن او را به کام خود فرو ببرد. (۳۱)

از رسول خدا (ص) یاد می فرماید که کلمات را یعنی ساده ترین و در دسترس ترین چیزی که در اختیار بشر است را به بزرگترین سلاح و قدرت و فکر و کلام و منطق و فلسفه و علم و اندیشه و راه و نور و ابزار پرواز به سوی ملکوت و مبارزه با همه ضعفها و زشتیها و ارائه همه نیکیها و ارزشها و واسطه های آسمانها و ملائک با زمین تبدیل نماید. (۳۲)

از اصحاب بسیار نزدیک و راستین رسول اکرم (ص) روایت شده است که آن حضرت، چون راه می رفت، ریگها و درختان و جنبنده های اطراف، به او سلام می کردند و تسبیح گفته و شهادتین ادا می کردند. چه بسیار روایت شده که گوش ماورایی او صدای فرشتگان را می شنید و با چشم ماورایی خود ایشان را می دید و با زبان ماورایی یا ایشان صحبت می کرد حتی در جنگها از ایشان کمک می گرفت و از مکاید و نیرنگها و حيله های دشمنان بواسطه ی وحی مطلع می گشت. آتش درون قبرها که ویژه ی عذاب شدگان بود را می دید و از مهیب آن شگفت زده می شد. به آسمانها سفر کرده و به معراج می رفت و دوزخ و بهشت و دوزخیان و بهشتیان را مشاهده می فرمود و با ایشان مکالمه داشت. و در معراج خویش نه تنها زمین بلکه رمان را نیز در می نوردید و تمامی گذشتگان و آیندگان را تا روز قیامت مشاهده می فرمود. (۳۳)

در آسمانها مسیح را دیدار می فرمود و در چشم به هم زدنی، مسافت مدینه تا بیت المقدس را می پیمود. این رخدادها تنها ویژه ی پیامبران نبود بلکه از اولیاء خدا که راه پیامبران را رفته ی از ایشان پیروی کردند نیز نمونه ی این حوادث در محدوده و در اندازه ی تقرب آن اولیاء بسیار شنیده شده و دیده می شود. زیرا هر انسانی که در پرورش شخصیت سوم خود بکوشد و از آن ودایع الهیه شده بهره جسته و استعدادها ی ویژه ی حیات انسانی را در تولد جدید خود رشد دهد، به توانایی های فوق و البته به اندازگی طرفیت و استعداد خود خواهد رسید.